



حاتمی کیا و این بار قهرمانی «به وقت شام»

■ مهرداد معظمی
«براهیم حاتمی کیا» که شروع کارش با گروه روایت فتح زیر نظر اوینی بود، سعی داشته فارغ از دود و آتش و قهرمان پردازی‌های کاذب، باطن و درون جنگ را به نمایش بگذارد؛ باطن و درونی که آنها از جبهه‌های جنگ درک کرده و به آن معتقد بودند. اوینی در نقد فیلم، وصل نیکان با عنوان «فیلمسازی در گیر و دار تجربه درونی» درباره حاتمی کیا می‌گوید: «حاتمی کیا از همان آغاز یاد در عرصه‌هایی نهاده است که جز او کسی جرئت ورود در آن را ندارد؛ جهان نامکشوف و

غیرنمایشی درون آدم‌های درگیر جنگ، در مقام بیان، هیچ موضوعی از این دشت‌وارت وجود ندارد و صراحتا باید گفت که در این عرصه، به اعتناز فیلم‌های دیدهبان و مهاجر، هیچ فیلمساز موفق‌تری جی حاتمی کیا نداریم.»

حاتمی کیا بعد از هویت که اوولین فیلم سینمایی‌اش بود، در سال ۱۳۶۷ فیلم دیدهبان را ساخت که بااستقبالی تماشایگران مواجهه شد. یکی

از وجوه تمایز این فیلم، شخصیت پردازی‌های منحصربه‌فرد آن است و این شیوه خاص شخصیت پردازی در بقیه آثار حاتمی کیا و آثار بسیاری از فیلمسازان دفاع مقدس ادامه یافت. یاران و هم‌زمان عارفی (شخصیت فیلم دیدهبان)، همچون او، همگی انسان‌های عادی و باریشه‌اند؛ شخصیت‌ها و تیپ‌هایی ساده با

ضعف‌ها و ترس‌ها، بارانچ‌ها و جسارت‌ها که همه انسانی است و زیبا، فقط با زیستن در فضا، باور داشتن، لمس کردن و چشیدن این لطافت و این آدم‌هاست که می‌شود چنین صحنه‌هایی را چنین آدم‌هایی را آفرید. شخصیت‌های دیگر هم با ایثارهای ساده و طبیعی‌شان همچون رسول، رضا، حاجی و… از خصوصیات انسانی فراتر نمی‌روند، سوپرمن نمی‌شوند، با یک دست، دست‌ها تن از افراد دشمن را به خاک نمی‌اندازند، رویتین هم نمیستند؛ انسان‌های کوچک بزرگی هستند که ساده‌اند و صادق.

حاتمی کیا که به‌جدی‌ترین‌نورزندگی‌مجله‌نامه راتجربه کرده‌است، پس از اتمام جنگ، هشت‌ساله هیچ‌گاه آرام و قرار نداشته‌است و این بی‌قراری در فیلم‌هایش باعث شده که با مردم دست‌به‌گریبان شود. او به دنبال آزمان‌هایی به جامانده از دورانی مقدس است که مردم عادی به آن लगाقتی ندارند

چرا که سر در روزمرگی خود فروبرده‌اند و همین امر سبب می‌شود که فیلم‌ساز برای رسیدن به آرمان شهر خود با مردم بسیتزد. این سیر از سطحی حاتمی کیا در اوولین فیلم او پس از دوران جنگ شروع می‌شود، به گروگان‌گیری می‌کشد و سرانجام در مرحله‌ای از سیز خود به گویند قایق در ناو امریکایی ختم می‌شود. اما آنچه در تمامی این آثار به چشم می‌آید حیرت حاتمی کیاست. او هرگز نتوانست راه‌حل چگونه آرمانی زیستن در خلال زندگی روزمره را بیابد. او همواره آشوب است و همواره سؤال، اما جوابی نمی‌دهد. نه او که هیچ سینماگر انقلابی دیگری نیز وجود ندارد که پاسخی به این سؤال داده باشد و شاید بتوان گفت که اساسا جز حاتمی کیا کسی این دغدغه‌ها نیست.

■ انسان‌های نوع دیگر
اصیل را ندارد. حاتمی کیا بر خلاف کسانی است که با تاسی و تقلید از سینمای جنگی غرب فیلم می‌سازند و نه با آنها قابل مقایسه‌اند و نه جایگاهی برای خود می‌یابند، حاتمی کیا بر بنایی که خود آن را شکل می‌دهد، یک ژانر می‌سازد. سبک و ژانری که حاتمی کیا پدید می‌آورد دارای ویژگی‌هایی است که استخوان‌بندی آن را تشکیل می‌دهد. در آثار او انسان‌ها با شخصیت‌هایی چون انسان قادر، انسان معارض، انسان تابع و انسان نوع دیگر دسته‌بندی می‌شوند. البته ویژگی دیگر، واکنشی است که وی نسبت به زمانه نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که از روی سال ساخت فیلم‌هایش می‌توان رنگبندی سیاسی و اجتماعی فیلم‌ها را در فیلم ردیابی کرد. از دیگر ویژگی‌های فیلم‌های او هویت‌یابی. کار کرد نمایشی صدا و… هستند. این ویژگی‌ها به تناسب درونما‌ی‌های مختلف، ساختار فنی و شکل‌بندی خاص خود

را می‌یابد و به یک ویژگی تبدیل می‌شود که در مجموع، شالوده یک سینمای شخصی و یک سبک‌منحصربه‌فرد و یک ژانر را تشکیل می‌دهند. مهاتپور که گفته شد یکی از ارکان مهم فیلم‌های حاتمی کیا تکیه بر شخصیت‌هاست و لذا لازم است برای شناخت سینمای او، شخصیت‌های فیلم‌هایش را بهتر بشناسیم؛ شخصیت‌هایی که به عیارت دیگر، زمان در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیت‌ها نقش بازی دارد.

■ انسان نوع اول (قادر)
انسان‌هایی که عشق سرلوحه زندگی آنهاست و عقل در شکل‌گیری شخصیت آنها در مرحله بعد از عشق قرار می‌گیرد. انسان‌های نوع اول به دنبال صلاحیت و به‌میبود شدن. در زمان خود حضور دارند، عمل می‌کنند و تأثیر می‌گذارند، و در پایان راه شهید می‌شوند. سیر کمال درونی را در چرخه زمان طی می‌کنند تا لایق پیوستن به میبود شوند. نمونه‌ها: عارفی (دیده‌بان)، اسد (مهاجر)، هادی (عزیز خاکنستر سبز)، اصغر یوسف (برج خسرو (بوی پیراهن یوسف)، منصور (برج مینو)، عباس (آژانس شیشه‌ای). انسان نوع اول، انسان آرمانی حاتمی کیاست.

■ انسان نوع دوم (معارض)
انسان‌هایی که عقل بر رفتار آنها حاکم است. عمدتا تحصیلکرده‌اند. نسبت به جنگ و جامعه خود نگاه تحلیلی دارند و برای رفتار خود منطق دارند. پشتیبان انسان نوع اول هستند و با آنها روابط غنی دارند. از آنجایی که همه چیز را از سلگی رزمنده دفاع مقدس و همسر شهید می‌بینند، نسبت به آن انجایی که همه چیز را از در تعارض با انسان نوع اول قرار می‌گیرند. در واقع انسان نوع دوم به دنبال زمینه‌ای برای راهپایی به دنیای انسان نوع اول است. انسان نوع دوم به‌شدت تحت تأثیر انسان نوع اول است و تنها از او الگو می‌پذیرد.

نمونه‌ها: ناصر (هویت)، محمود (مهاجر)، امیر/حسین (وصل نیکان)، نوذر (ایلا (از کرخه تا

راین)، شیرین (بوی پیراهن یوسف)، مینو (برج مینو، محصول سال ۱۳۷۴ هجری شمسی)، کاظم (آژانس شیشه‌ای). انسان‌های نوع دوم

سیرکردن آنها، این‌ها شخصیت‌های حاتمی کیا هستند.

■ انسان نوع سوم (تابع)

به‌ندارای شخصیت مستقلی هستند و نه منطقی برای رفتار خود دارند. آنها به دنبال منافع فردی و دنیایی خویش هستند و از دستورات پیروی می‌کنند. حفظ موقعیت مادی برای آنها مهم است. مایل به انسان نوع اول هستند، در تعارض با انسان نوع دوم قرار می‌گیرند و سپس دنباله‌روی انسان اول می‌شوند. چون قادر به درک و تحلیل رفتار دیگران نیستند، سعی دارند مسائل را به‌طور فیزیکی حل کنند. نمونه‌ها: سعید (مهاجر)، اصغر (از کرخه تا

راین)، امیر اسدیفه (بوی پیراهن یوسف)، موسی (برج مینو)، اصغر (خاکنستر سبز).

■ انسان‌های نوع دیگر
شخصیت‌هایی مانند حاجی رتوفی (مهاجر)، که انجام تکلیف و دستور را مهم‌تر از نجات جان خواهر‌زاده‌اش می‌داند. شخصیت به‌یادماندنی سلحشور در آژانس شیشه‌ای را می‌توان عالی‌ترین نمونه انسان‌های دیگر دانست که جنسیتی و نژادی به دور نبود.

انجام وظیفه برای او از همه چیز مهم‌تر است. وی آمده است تا امنیت کشور را حفظ نماید و حاج کاظم را از سه راه بردارد و در این راه سابقه رزمندگی و جانفشانی کردن در جنگ و برای انقلاب، چندان در نظر او اهمیت ندارد. علاوه بر تمام موارد گفته شده، جداافتادگی، جاه‌جویی، هویت‌یابی و پلاک را می‌توان از عوامل مهم تکرارشونده در آثار حاتمی کیا دانست که هر کدام در فیلم‌های مختلف کارگردان رنگی متفاوت می‌گیرد و گاهی هم کاملا مشابه است و اکنون باید منتظر جلوه‌گری قهرمانان در «به وقت شام» باشیم.

■ فرزین ماندگار
رئیس حوزه هنری در روز گذاشت حمید حسام، نویسنده دفاع مقدس با نقل جمله‌ای از رهبر معظم انقلاب در یک جلسه درباره این نویسنده دفاع مقدس فرمودند: «شاید شهرهای دیگر چنین رزمندگانی داشته باشند اما آن شهرها کسانی مانند حمید حسام ندارند.»

به محضر رهبر معظم انقلاب رسیدیم. در این مراسم تعدادی از اهالی قلم حضور داشتند. رهبر انقلاب استقبال بی‌نظیری از جمع حاضران داشتند و خطاب به سردار سلگی رزمنده دفاع مقدس و همسر شهید سلگی‌ساز بیان فرمودند: «من عاشق شهید علی چیت‌سازیان شدم.»

وی ادامه داد: رهبر انقلاب خطاب به سردار سلگی فرمودند: «شاید شهرهای دیگر چنین رزمندگان داشته باشند اما ما آن شهرها کسانی مانند حمید حسام ندارند.»